

داوود پیرنیا روح خود را در گلها برای ما به یادگار گذاشت

خانم جمیل خرازی مدیر عامل بنیاد
توس در این مراسم طی سخنانی در
پیرامون برنامه گلها گفت:



اگر سرشت پی شستن غبار غم است به
جای هر مژه ام دیده ای هنوز کم است
شکسته بال تر از من میان مرغان نیست
دلخوشی است که نامم کبوتر حرم است

این خلسه از افیون هنر است که ما را قرن‌ها بنده خود ساخته و پیوسته گستردگی و تلونش در طول قرون باعث مباحثات ما بوده است.

تا باشد که این پیام انسانی « برای هنر مرزی نیست و قلوب عاشقان هنر در هر کجای دنیا که باشند همه به یک سان می طپد » را به گوش جان آنهایی که قلبهایی به سبکی کاغذ و چشمهایی به تیرگی تپله های در خاک در افتاده دارند، برسانیم و بگوئیم « ارزش این کالبدهای متحرک به روح پر باری است که در آن دمیده است » و این معابد ذات مقدس فقط با شستشو در زلال چشمه هنر و با شکفتن غنچه های عشق است که اوج می گیرد. انسان عاشق، بد خصلت نمی شود. مادرها هرگز رهبران جنگ نمی شوند و پیروان عشق به حق ارزشهای انسانی را والاتر از ثروت دنیوی می بینند.

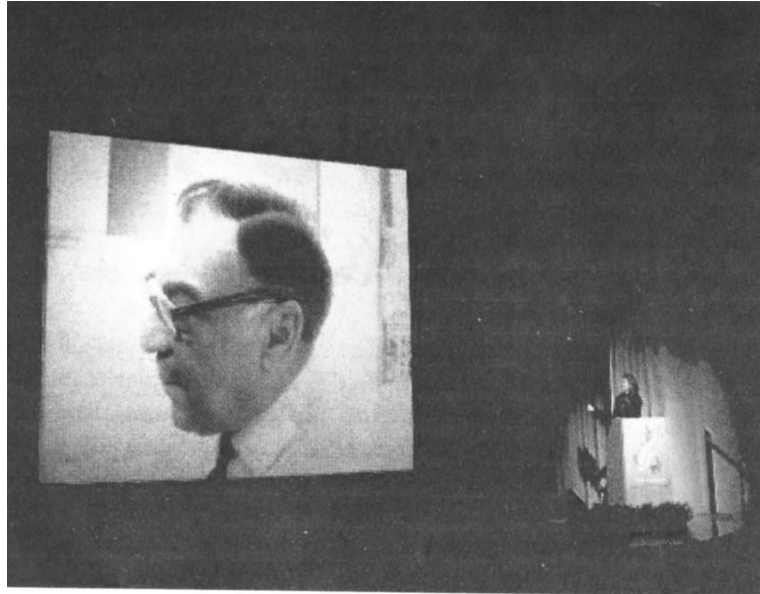
و داوود پیرنیا پیرو همین عقیده بود. او روح خود را در گلها برای ما به یادگار گذاشت. یادش را گرامی و خاطرش را مقدس می داریم. از دوستانی که در این مهم با من همدلی و همراهی کردند از جمله سرکار خانم دکتر شیوا شفیقیان جراح، مترجم و نقاش، دکتر محمود خوشنام، دکتر وندیداد گلشنی آقای جمشید رضائی، آقای سعید ایمانی و آقای منوچهر حسین پور و دو قلندر عاشق، عاشق ذات مقدس هنر خانم و آقای لویزون که بیش از ۳۵ سال از بهترین سالهای عمرشان را وقف جمع آوری شکوفه ها و گلهای یادگار داوود پیرنیا کردند، کمال تشکر را دارم.

اجازه می خواهم یکبار دیگر از هنرمندان گلها که وجودشان باعث جاودانی گلها شد و دوستان همدل دیگر دعوت کنم که به روی صحنه بیایند و به رسم داوود پیرنیا با تحفه درویش از آنها تشکر کنیم.

گل‌های جاویدان در لندن به جاودانگی رسید

برنامه رادیویی گل‌های جاویدان در بهارن سال ۲۰۰۹ به همت و ابتکار بنیاد فرهنگی و غیر انتفاعی توس در لندن، از صدا به تصویر و از تصویر به صحنه کشانیده شد و با ضبط در قابهای گل سرخ با نام و یاد داوود پیرنیا به جاودانگی و تاریخ پیوست.

گل‌های جاویدان و شاخه‌های عرفانی آن گل‌های رنگارنگ، یک شاخه گل، برگ سبز و گل‌های صحرایی تلفیق زیبا و استادانه‌ای از برگزیده‌ترین اشعار



شعرای معاصر و قدیمی و موسیقی اصیل ایرانی و یکی از مشهورترین و محبوبترین برنامه‌های رادیویی بود که در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ به ابتکار داوود پیرنیا در رادیو اجرا می‌شد. شهرت و محبوبیت این برنامه چنان بود که پیوسته زمان پخش آن طولانی‌تر می‌شد و موسیقی اصیل ایرانی که کم‌کم بر اثر تلاطم‌های سیاسی و تأثیر پذیری از موسیقی عربی و ترکی رو به زوال می‌رفت دوباره نضج گرفت و در یکپارچگی و هم‌آهنگی اصالت خود را حفظ کرد.

خانم جمیل خرازی،
انسانی فرهنگ
دوست و عاشق هنر
ایران که بیشترین
سال‌های عمرش را
در خارج از خاک
وطن گذرانیده است
می‌گوید: « این نه
تنها دین من به
جوانان و سایر مردم
غیر ایرانی، بلکه دین
هر ایرانی به ادبیات





و هنر ایران است که در بازسازی و یادآوری هنرهای ایرانی در سطح جهانی بکوشد. لزوم به تاکید و یادآوری آن که ما جز شهرت های کاذب جنایت و تروریسم هنرهای دیگری برای شناسائی خود به دنیا داریم و یا داشته ایم، در این برهه تاریخ بیش از هر زمان دیگر احساس می شود.»

وقتی از او پرسیدیم که چرا مردم در سالن متاثر بودند و چرا شاهد اشکهای تماشاچیان بودیم با شگفتی گفت: هرچه از دل برآید بر دل نشیند. داوود پیرنیا روح خود را در گلها برای ما به یادگار گذاشت و من به عنوان یک عاشق و شنونده برنامه گلها فقط از طریق عشق و حلقه مشترک می توانستم به راههای پنهانی قلب حضار رخنه کنم چراکه جوانی های سوخته قلبهای عاشق همه با این نواها و تصویرها در روحشان جان گرفتند. اشک این عاشقان از تائر و یا صحبت کوتاه کن نبود برای کلامی بود که از دل آنها بر می خواست و اینک از زبان من شنیده می شد.

به جرات می توان گفت که بنیاد توس در هر نشست هنری خود کوشش را به ترسیم تصویر و یا به صحنه کشاندن یک هنر در ایران اختصاص داده است تا به حال بهترین و با محتوایترین برنامه های ادبی و فرهنگی را به اجرا در آورده است.

این تحقیقات و این همه خاطره به همت و کوشش دو قلندر عاشق خانم و آقای لویزون، به مدت پنج سال انجام شده بود که در شب تجلیل از داوود پیرنیا با حضور پسران و اقوام ایشان و آخرین هنرمندان برنامه گلها پس از دریافت تندیس های فردوسی که به عنوان تشکر و شرکت آنها به حضورشان تقدیم شد، به جاودانگی رسید. امید و آرزوی ما موفقیت سازمانهایی با این چنین اهداف پاک و منزه در جهت حفظ میراث فرهنگ، ادبیات، تاریخ و هنرهای ایران است.